

# روند شکل‌گیری یک نمایشگاه

■ داریوش مختاری

## Formation of the New Art Exhibition

Daryush Mokhtari

**آقای مختاری:** در سال گذشته یعنی تابستان ۸۶ طی همکاری‌هایی با آقای رامین اعتمادی، موضوعی با عنوان قیچی به ذهن ما خطور کرد که تصمیم گرفتیم هر دو با این موضوع، کارهایی برای نمایشگاه انجام دهیم. فرم قیچی را به عنوان سمبولیک و از دید و نگاه گرافیک خیلی جالب دیدیم.

**آقای اعتمادی:** داریوش در حیطه‌ی گرافیک کار می‌کند و من در نقاشی و مجسمه ولی گرایش هر دوی ما به هنر کانسپت است و ما با نگاهی مفهومی به اطراف می‌نگریم. این موضوع مشترک باعث شد که هر دو به فکر یک ایده برای نمایشگاهی مشترک بیفتیم. از همان ابتدا قیچی به لحاظ فرم و مفهوم خیلی برای ما جالب و با اهمیت بود. مفهوم بریدن و تیزی قیچی و یا آغاز کردن برای زندگی جدید از مفاهیمی است که از قیچی دریافت می‌شود. تصمیم گرفتیم در ابتدا تمام ایده‌ها را بدون هرگونه محدودیتی بنویسیم که این کار تقریباً حدود سیزده جلسه زمان برد و پس از آن با یکدیگر شروع به انتخاب بهترین‌ها کردیم.

**مختاری:** طی ۶ ماه همفکری، حدود ۳۰۰ طرح بر روی کاغذ ثبت کرده بودیم اما به علل مسائل مالی، اجرایی، اجتماعی و ... آنها را غربال کردیم و تعداد آنها را به ۴ اثر برای آقای اعتمادی و ۴ اثر برای من رساندیم. در نهایت گالری لاله را برای نمایش کارها انتخاب کردیم. مدیر گالری از اجرای این نمایشگاه ابراز نگرانی می‌کرد ولی بعد از جلسه‌ای که با مدیریت فضاهای فرهنگی شهرداری داشتیم و تایید ایشان را گرفتیم، کار ادامه پیدا کرد.

**اعتمادی:** در همان شروع کار برای فکرهای اولیه هیچ محدودیتی قائل نشدیم، تنها محدودیت ما این بود که طرح‌هایی را در نظر بگیریم که به هم نزدیک باشند پس به همین دلیل مجبور

شدیم بعضی از طرح‌های خیلی خوبمان را اجرا نکنیم چون به بقیه نزدیک نبود و خود نمایشگاه جداگانه‌ای را می‌طلبید.

**مختاری:** یکی از اتفاقات جالب این بود که در طی خلاصه کردن ایده‌ها، در طرح‌ها یک دستی ایجاد شد.

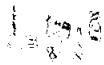
ما مد نظر داشتیم که در کنار ساده کردن طرح‌ها، یکی از کارها، روند کل این نمایشگاه را نشان دهد یعنی از ایده تا اجرای برگزاری این نمایشگاه، بطوری که بازدید کننده بتواند متوجه روند کار ما شود، اینکه کار از کجا آغاز شد، چه کارهایی حذف شد چه تغییراتی رخ داد و ... و در نهایت چگونه اجرا و ارائه شد. تمام این روند را به شکل یک فیلم آماده کردیم، حتی قبل از اتمام فیلم نظرات و پیشنهادات دوستان را نیز فیلمبرداری کردیم و آنها نیز به فیلم اضافه شد. در طی کار، من بطور موازی کاغذهایی را که در طول این ۶ ماه اتود و پرینت

گرفته بودیم، جمع آوری و صحافی کردم. سپس در زمان برگزاری نمایشگاه، آن را به عنوان دفتر نظرات در دسترس تماشاچیان قرار دادیم. بیننده در پایان بازدید هنگام یادداشت کردن نظر و پیشنهاد خود در دفتر، با تعداد انبوهی ایده که در این دفتر وجود داشت مواجه می‌شد و همانجا به مطالعه آن می‌پرداخت. همچنین کارهایی که از نمایشگاه حذف شده بود نیز در آن دفتر گنجانده شده بود.

**اعتمادی:** اولین کار من، دست به نشان برابری بود که همه انگشتان به اندازه انگشت کوچک بریده شده بود. این کار با حالت طبیعی و به صورت مجسمه از جنس موم بود با یک خط قیچی در یک ردیف. با این کار می‌خواستم نشان دهم که عدالت، هم اندازه کردن ظاهری نیست بلکه ماجرا چیز دیگری است. دومین اثر درباره کارتن خوابها بود. زمانی، از یک کارتن خواب عکاسی کرده بودم و سه سال پیش از روی او مجسمه‌ای ساخته بودم، دیگر او زنده نیست.

من مجسمه را در نمایشگاه گذاشتم و پرینت اثر را در فضای خرابه‌ای که او در آن محل می‌خوابید چسباندم. دور پوست را به رنگ سفید رنگ آمیزی کردم و از همانجا خط سفیدی کشیدم و تا گالری لاله ادامه دادم. مایل بودم خط در داخل گالری هم تا محل مجسمه ادامه پیدا کند اما به دلیل مخالفت مسئولین تا جلوی در این کار را انجام دادم. اثر دیگر، با نام تولد که همراه با فیلم دایره ارائه گردید بدین شکل ساخته شد که زمان فیلمبرداری از کار آقای مختاری بر روی بوم رنگ پاشیدیم و این کار تبدیل به یکی از آثار به نام تولد شد. در این کار از معنی حیات بخشی، که با حذف کردن زانده‌ها، بریدن بند ناف بچه و زندگی جدید به او دادن، دید مثبت دیگری به ما می‌دهد، بهره گرفته شد.





سیاه). از نقشه پلات بزرگی گرفتیم با لرزشی تعمودی که در آن ایجاد کردیم، با این کار می‌خواستیم جاه طلبی و زیاده طلبی آنها و سرزمین خواهی هر قاره و ایده قیچی کردن جهان به نفع خود را نشان دهیم.

ایده دیگر، کتاب قیچی بود. یک قالب قیچی طراحی و لترپرس کردیم، در حدود ۱۰ جلد از این کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای تکثیر شد. از این کتاب هم معنی سانسور دریافت می‌شد و هم اینکه بعضی کتابها با تفکرات تخریبی جایی ندارند و باید حذف گردند.

اعتمادی: کار دایره با نگاهی متفاوت و مثبت به قیچی، برای من اتفاق جدیدی بود، چون در این کار در واقع با دوربین نقاشی کردم، همراه با موسیقی و تولد یک تابلوی جدید که بیننده با دیدن فیلم وقتی برمی‌گشت و دوباره به تابلو نگاه می‌کرد با آن ارتباط بیشتری برقرار می‌کرد و آن را دوست داشت.

در نهایت این نمایشگاه با کمبدها و محدودیت‌ها انجام شد اما از نظر ما بسیار پربار بود و امیدواریم نمایشگاه بعدی ما که محور آن کاکتوس است هنوز پربارتر باشد. ■

مختاری: همانطور که گفتیم کارهای هر کدام از ما ۴ مورد بود. اولین کار من همان پوستر دعوت به نمایشگاه بود. یک قیچی قدیمی را محور قرار دادم که با یک دهانه باز و دسته سه انگشتی که حرکت قیچی را القا می‌کرد با مطالب چیدمان کردیم و عمل چیدن و جداکردن که کار قیچی است را نیز در آن لحاظ کردیم به این شکل که تیغه قیچی در کارت دعوت و پوستر بریده شده بود. در واقع کارت دعوت و پوستر خود یکی از عناصر نمایشگاه را تشکیل می‌داد.

دومین طرح من فرم قیچی به صورت نتهای موسیقی و الفبای نوشتاری بود. برای این کار دفتر نسی طراحی کردیم که نت‌های یک سمفونی را با حروف شماتیک قیچی بر روی خطوط حامل نمایش می‌داد.

دفتر نت روی پی پت گوشه نمایشگاه قرار گرفته بود و پوستری هم از این دفتر نت به دیوار نصب شده بود و لسی برای این پی پت یک mp3 player و یک هدفون گذاشته بودیم که در آن صداهاى ناهنجار ترافیک پخش می‌شد، صداهایی که باعث تخریب روح و جسم می‌شوند و باید از جامعه قیچی شود.

ایده بعدی، نقشه جهان بود که در آن ۵ رنگ قاره جهان را سمبل گرفتیم (اقیانوسیه آبی، اورپا سبز، امریکا قرمز، آسیا زرد و آفریقا